

چند سند تاریخی

از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محمد علی کریمزاده تبریزی



پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

در این شماره چندین نامه از حسنعلی خان امیر نظام گروسی که در زمان صدارت حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله، سمت وزیر فوائد عامه را داشته است، از نظر خوانندگان میگردد.

این نامه‌ها تماماً به‌خند شکسته و زیبای حسنعلیخان و بانثای سلیم و روان او می‌باشد. بغیر از خوش خطی و زیبا نویسی، مطالب ارزنده سیاسی دیگری در این نامه‌ها جلب توجه می‌کند که حسنعلی خان در زمان سفارت خود در پاریس به وزیر خارجه وقت گزارش داده است و علاوه بر این، شرایط خرید تفنگهای مسیو روس و خرج متعلمین ایرانی در پاریس و خرید توپهای بلژیکی و سایر مطالب ارزنده تاریخی که در بین سطور این نامه‌ها بر خواننده روشن میگردد، خالی از لطف نبوده و وضع داخلی و سیاست خارجی مملکت ما را در آن زمان تا حدی برای خوانندگان مجله بررسیهای تاریخی آشکار می‌سازد.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

چند سند تاریخی

نامه شماره ۱

قبله گاهها روز پنجشنبه هیجدهم شعبان المعظم وارد ولایت گشته و امروز دوشنبه بیستم است جهان بخش بیک نایب را از قصبه بیجار برسبیل تعجیل روانه خدمت نموده عرض مینماید که اگرچه در ولایت بعلت انتظام امور افواج و رسیدگی بسایر کارها مشغله کلی دارد و لکن بعلت مأموریت سفارت زیاده ازده پانزده روز توقف نخواهد کرد انشاءاله در پنجم و ششم رمضان المبارک در ولایت حرکت کرده تا بیستم رمضان وارد تبریز خواهد شد. در باب تاتمامی کارهای متعلقه بسفارت حاجت به تکرار نمیداند امیدوار است که تارسیدن عریضه موافق یادداشتی که عرض شده تاتمامی کارها بالتفتات سرکار صورت انجام یافته و عالیجاه حاجی محسن خان تائب اول سفارت را مرخص و روانه تبریز فرموده اند. در باب حواله وجه مخارج شش ماهه ثانی سفارت و متعلمین مأمور پاریس و خرج مهمانی عید مولود مبارک چنانچه در زمان حضور نیز عرض شد بعلت اینکه در سال اول بعلاوه مایحتاج منزل سفارت و مقدمات خرج متعلمین پاره مخارج خارق العاده نیز هست که در سالهای دیگر نخواهد بود، در این

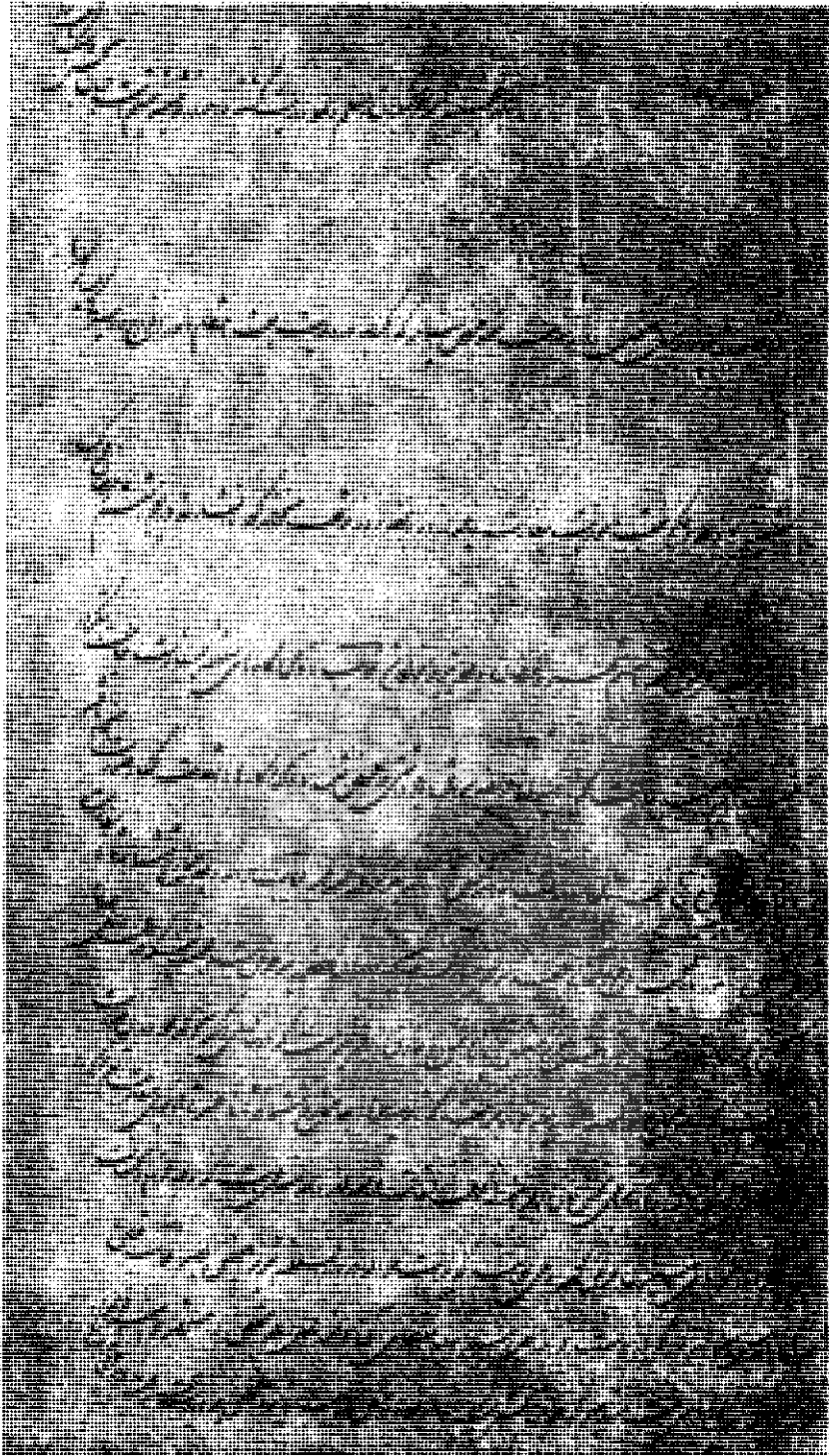
صورت لازم است که وجه مخارج هذه السنه را سالیانه حواله بفرمایند که تارسیدن وجه مخارج شش ماهه ثانی عسرتی از برای سفارت بهم نرسد اگر بمقتضای عرض سابق برآه آنرا بجای محسن خان داده باشند که مال التفات فرموده اند و الامستدعی است که وجه لزوم و محسنات این فقره را بخاکپای همایون عرض کرده نوعی بفرمایند که برات حواله در دارالسلطنه تبریز بمخلص برسد .

در باب تعیین منزل پاریس نیز بهرطور که از دولت فرانسه خبر رسید البته بمقتضای آن دستور العمل داده مخلص را مستحضر خواهند فرمود عجلتاً زیاده بر این عرضی نیست مستدعیم که جهان بخش بیگ را زودتر مرخص فرمایند شاید تا مخلص در ولایت است مراجعت نماید زیاده چه عرض شود الامر منکم

(پشت نامه مهر حسنعلی ۱۲۷۳)

نامه شماره ۲

قبله گاهها بعد از ورود تبریز معلوم شد که فیما بین ژنرال قونسول دولت بهیه روسیه و مقرب الخاقان میرزا عبدالوهابخان نایب الوزاره برودتی روی داده و با یکدیگر مکاتبه و مکالمه ندارند چون ظهور این طور برودت و امتداد آن شایسته و مناسب و مقتضی حالت طرفین نبود کمترین و جناب ناصر الملك مقدماتی ترتیب داده این غایله را بطور خوشی مقرون برضا و احترام طرفین رفع و اصلاح کرده اند انشاء اله تعالی تفصیل احوال را در زمان شرفیابی عرض خواهیم کرد - مقرب الخاقان علی خان سرهنگ نایب اول از قوت مرحوم نظام الدوله خبر نداشت بعد از ورود به تبریز بهتر و مناسبتر دانستم که او را اطلاع دهیم مقرب الخاقان نایب الوزاره که همه زحمات را



(نامه شماره ۹)

(۳)

متحمل است مجلس ختمی منعقد کرد و مشارالیه را خبر دادند حق جل و علاسایه عاطفت اعلی حضرت ولی نعمت کل ممالک ایران را بر سر قاطبه چاکران دولت پاینده دارد محقق است که حقوق خدمات مرحوم نظام الدوله و خود علی خان سرهنگ در خاکپای همایون مستور و مهجور نخواهد ماند، و بهترین دلایل تعلیقه جاتی است که جناب عالی در غیاب علی خان بنایب الوزاره مرقوم فرموده اند و برای او و همه چاکران دولت مایه کمال امیدواری شد

زیاده جسارت است امر کم مطاع

پشت نامه مهر حسنعلی تاریخ ۱۲۷۳

نامه شماره ۳ از پاریس

قبله گاهها خدا شاهد است که کمترین بالطبع از تجدید و تکرار این قبیل مطالب کمال اکراه دارم اما از روی ناچاری و بحکم اذالم یکن غیر الا سنه مرکب عرض و جسارت مینمایم که بعد از انتظار کلی و انقضای شش ماه از سال ده روز است خبر رسیده که از بیست هزار تومان مخارج و مواجب اتباع سفارت و متعلمین و هشت و نه هزار تومان مطالبات کمترین از دیوان بهمه جهت برات هفت هزار تومان مجموعه هفتاد و یک روزه باسلامبول رسیده و در صورتی که هیچ نوع نکث و تغییر حادث نشود مبلغ مزبور تا بیستم جمیدی - اولی که دو ماه بعد از این است پاریس خواهد رسید و هیچ معلوم نیست که بقیه مخارج و مطالبات کمترین کی و چه وقت و بچه موعده خواهد رسید بدین واسطه کمترین تکلیف خود را زیاده از حد دشوار می بیند زیرا که یکطرف بی تمهید مقدمه و در بحبوحه اختلاط کارها و حسابها حکم احضار کمترین صادر شده و جناب ناصر الملک را از

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الأمين وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الأمين وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الأمين وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الأمين وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الأمين وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الأمين وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الأمين وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

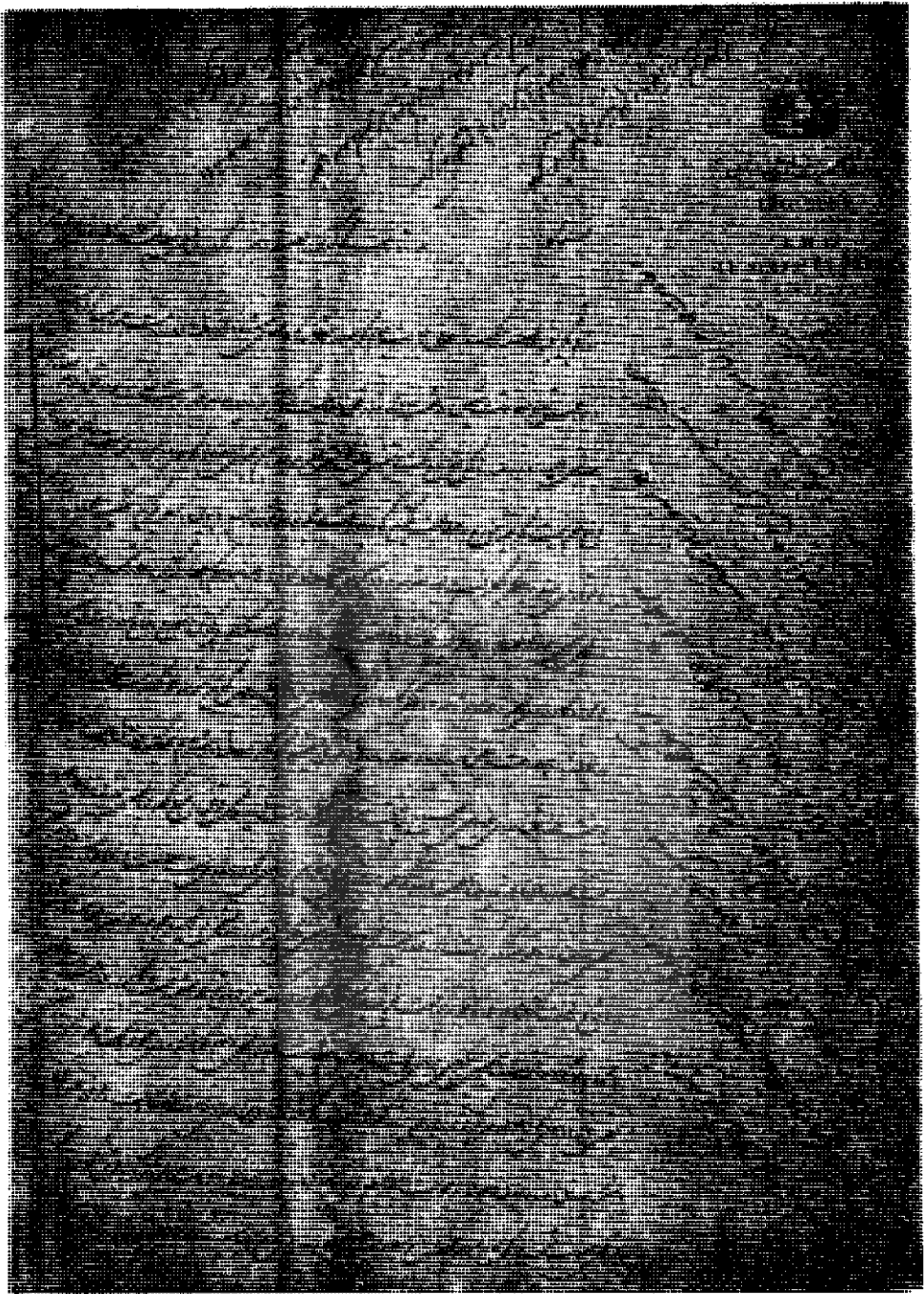
روی تعجیل مامور فرموده اند و از طرف دیگر شش ماه درست است از نوروز میگذرد و کمترین مخارج اتباع سفارت و متعلمین را بالضروره قرض و کارسازی نموده و لامحاله تا سه ماه دیگر کارسازی و راه اندازی این مخارج برعهده کمترین خواهد بود که خدمت دولت بر زمین نماند و اختلالی در اداره امر سفارت و متعلمین روندهد و علاوه بر این موافق تفصیلی که مکرر ارسال داشته ام نزدیک چهار سال است که متدرجا زیاده برهشت هزار تومان برای خریداری و ابتیاع فرمایشات متعدده و انجام خدمات فوریه دولتی قرض و خرج کرده و بالفعل از این دورا بقدر بیست و پنج هزار تومان از دیوان طلب دارم که خودم در ازای آن مقروضم و عوضی که در مقابل است مطالبات از دیوان است که طریقه وصول بعضی از آن با وجود صدور برات از قرار است که عرض شد و بعضی دیگر خبر صدور براتش هم نرسیده خود جنابعالی تصور بفرمایند که با این اوضاع حالت کمترین چه خواهد بود و مراجعت من از پاریس کی و چگونه باسانی میسر خواهد شد ابدأ متصور نیست که بعد از چهار سال خدمت و زحمت و حسن رفتار و معاشرت و تحصیل نیک نامی برای دولت بالاخره مطالبات مردم را مجمل و مبهم گذاشته برای خود و دولت خود بدنامی و بی اعتباری تحصیل نمایم و امری که زیاده از حد کمترین را از خود بیزار کرده این است که همه این قرضها برای خدمت دولت است و عوض همه آن و بیشتر از آن در دیوان همایون موجود است اما بواسطه دیر رسیدن و دیر رسانیدن وجوهات دیوانی کمترین به قرض کردن مجبور و بمقروضی منسوب شده و اگر مخارج و مواجب اتباع سفارت و متعلمین را در موقع میرسانیدند و یا فرمایشی که از دیوان میشد پیش از وقت تنخواهی میفرستادند ابدأ کمترین مجبور بقرض نمیشد و این همه مرارت رو نمیداد

حالا هم اگر وجوهات مخارج سفارت و متعلمین و عوض همه مطالبات کمترین بدرستی و درموقع خود برسد دیناری از قروض اینجا باقی نخواهد ماند و کمترین باکمال افتخار و بقای نیک نامی و اعتبار مراجعت خواهد کرد بخدا و به نمک اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی روحانفاده که کمترین بجهت عدیده از اقامت پاریس به تنگ آمده و حکم احضار خود را فوز عظیم و سعادت بزرگی میدانم و هر قدر ممکن شود یک ساعت زودتر مراجعت خواهم کرد زیرا که امتداد این سفر و مقتضیات این مأموریت برای کمترین از طرق متعدده مایه پریشانی و اختلال کلی شده و معینا شکایت ندارم و بدون اینکه طمع و توقع بیجا نمایم همین قدر استدعا دارم که عوض بقیه مخارج و مطالبات چهار ساله کمترین بدون کسر و نقصان و درموقع خود از دیوان همایون برسد تا مطالبات مردم را موافق قاعده پرداخته و با نیک نامی دولت و بقای افتخار خودم مراجعت نمایم و بی جهت در پاریس معطل نشوم و برای مزید اطلاع عالی عرض مینمایم که هزار و پانصد تومان تفاوت مخارج متعلمین در هده السنه نیز باید بکمترین برسد زیاده جسارت نمی نماید .

و استدعا دارد که از هر راه و به هر تدبیر که میتوانند اسباب استخلاص کمترین را از این گرفتاری فراهم آورند .

سه شنبه ۲۰ شهر ربیع الاول ۱۲۷۹ در پشت نامه مهر حسنعلی

بتاریخ ۱۲۷۳ .



(نامه شماره ۳)

(۸)

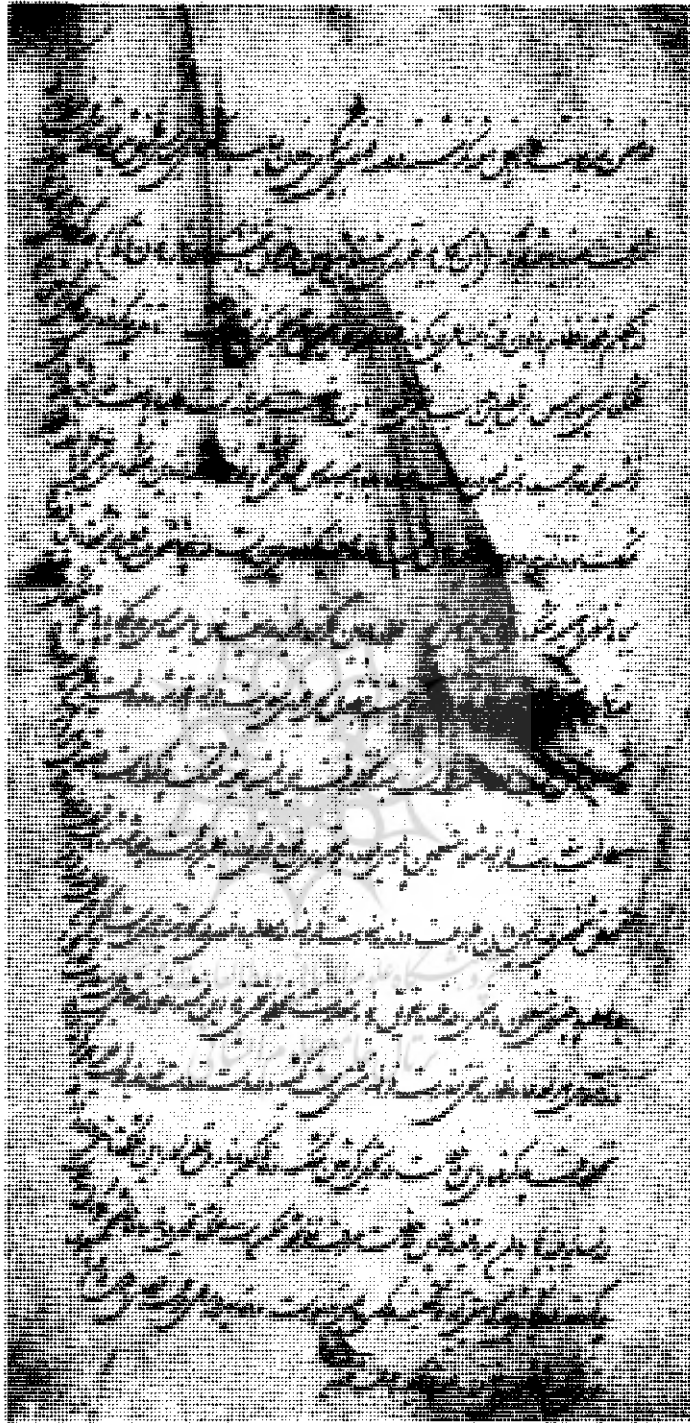
نامه شماره ۴

در این نامه، منظور از متعلمین و مخارج آنها، خرج
چهل و دو نفر از تحصیلکرده‌های دارالفنون که برای تکمیل
تحصیلات تحت سرپرستی عبدالرسول‌خان اعزام شده بودند
میباشند که لمبر نظام در مورد خرج این دانشجویان در هر نامه
اشاره کرده است.

در ضمن نمره‌جات عرایض هفته گذشته در صدر فهرستی که
بخواکپای همایون در باب تفنگ‌های مسیوروس عرض شده بود دستخط
مرحمت نمط مبارک شرف صدور یافته بود که (این کار باید آخری
داشته باشد بهمین طور معوق و تفنگها در انبار ماندن تاکی) چاکر
فدوی در انجام هر یک از احکام قضا نظام همایون فوراً بمساعی
چاکرانه اقدام نموده بلا تأخیر بموقع اجری گذاشته است تأمل چاکر
فدوی در تحویل گرفتن این تفنگهای مسیوروس و قطع این حساب
بقبول تفنگها باین ملاحظات عبیدانه است که میرزا یوسف خان
شارژ دافر پاریس نوشته بود بر حسب دستور العمل وزارت امور
خارجیه با مسیوروس طوری گفتگو شد که هزار قبضه از این تفنگهای
رسمی خاندانار یا پانصد قبضه تفنگ سوزن‌دار هم بدهد که چهار
پنج هزار تومان قیمت دارد منظور چاکر فدوی این است که در اینجا
تعلل در قطع امر بشود تا آن قرار هم بجائی منتهی و ضمیمه تفنگهای
حاضره مسیوروس شود علاوه بر این اگر قرار میرزا یوسف خان
با مسیوروس هم بکلی پی پا باشد و تفنگهای حاضره در انبار هم
بقیمت آهن نیرزد با آنکه نوشته بتصدیق کل اجزای سفارت فرانسه
اخذ شده که دولت ایران بیست هزار تومان از مسیوروس طلب دارد،

طلب دولت بهدر نخواهد رفت این نوشته همیشه تفنگک پرکردنی است درمقابل هرگونه مطالب سفارت فرانسه مثلا متعلمین پاریس علاوه برمقرری ومخارج دولتی که از دیوان مرحمت وپرداخته شده است قریب ده هزار تومان قرض شخصی من در پاریس وآن اطراف دارند که سفارت فرانسه درمطالبه وفدوی درکار تهیه وصول است اگر این طلب سفارت فرانسه بواسطه بی چیز متعلمین لاوصول یا درعهدۀ تعویق بماند وسفارت بخواد سختی نماید این نوشته اقلا درمقابل طلب سفارت بکار میخورد ودرمقابل هر ادعا و اظهار و سختی سفارت فرانسه مثبتی است کشیده در دست وزارت خارجه دولت علیه هرگز ازمیان نخواهد رفت چاکر فدوی باین ملاحظات در تحویل گرفتن تفنگک وخالی کردن انبار وقطع کار باین تفنگها تأمل دارد والا از سایه بلند پایه همایون هر دقیقه که از این ملاحظات صرفنظر شود ممکن است تفنگها تحویل و انبارها خالی شود اگر این ملاحظات چاکرانه در خاکپای مبارک مقبول آید که تکلیف چاکری را بعمل آورده است والا بهرطور رأی مرحمت اقتضای اقدس همایون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی روحنا فداه علاقه گیرد امتثال خواهد شد (درحاشیه سمت راست قسمت بالای نامه که باشکال می شود رؤیت کرد وقرائت نمود ناصرالدین شاه بخط خود چنین نوشته است) .

بسیار خوب در سلطنت آباد یادآور شود و با میرزا یوسف خان در این فقره بالا گفتگو شود



نامه شماره ۵

امیر نظام گروسی بمیرزا حسین خان سپه سالار در باب واقعه قتل حمزه آقا

در این سند ، امیر نظام گروسی ، تفصیل غائله حمزه آقا را بصدر اعظم وقت میرزا حسین خان سپه سالار نوشته است . چون این نامه کاملا خوانا و خوش خط است احتیاجی به قرائت و پاک نویسی مجدد نمیباشد البته میدانیم در اواخر سال ۱۲۹۸ امیر نظام گروسی در صدارت حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله با رتبه امیرتومانی وزیر فوآند عامه شد و چون مدت بس طولانی در این سمت بود بوزیر فوآند عامه معروف گردید از طرفی با حفظ سمت وزیری در سال ۱۲۹۸ بدستور حسین خان سپه سالار بحکومت ساوجبلاغ و صائین قلعه منصوب شد در این زمان قتل حمزه آقا اتفاق افتاد و در نتیجه اعتراض دولت روسیه نیز بجائی منتهی نشد و تا تاریخ ۱۲۹۹ وزیر فوآند عامه بود این سند طرز سیاست و حکومت نامبرده را بخوبی نشان داده و انشاء و خط و زیبایی کلام او را بطرز تحسین آمیزی ارائه میدهد و چون این واقعه در تاریخ ایران در آن زمان زبانزد خاص و عام و مطمح نظر سفارت بهیه روسیه بود و علاقه خاصی باین مسئله داشتند از هر حیث ارزنده و قابل انتشار می باشد در انتهای این نامه مهر بیضی شکل وزیر فوآند عامه و تاریخ ۱۲۸۹ مهر مزبور جلب توجه مینماید .

دیده که کف دست من در غم خسته شده است
بوی خوشی که از این دستان می آید
بویست که در این دستان
و در این دستان
بوی خوشی که از این دستان
بوی خوشی که از این دستان
بوی خوشی که از این دستان
بوی خوشی که از این دستان
بوی خوشی که از این دستان
بوی خوشی که از این دستان
بوی خوشی که از این دستان
بوی خوشی که از این دستان
بوی خوشی که از این دستان

بنا کردی که باغ در عالم است و در این باغ گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است

بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است
بوی بر منم از گلستان است و این گلستان است

کتابخانه

در آنجا یک روزم از حق تمامه گویند که این دنیا تمامه هر چه است
یکسند و نهایت حرف از نادانان خوانده که با خود با علم آنگاه که در دست است
در پیش که در دست نشان در در روز که می میرد اما که استوار است و دل در دست
هر آرض بر هر است و در هر حق که حلف قرآن که هر روزت نشان این حق هر کس که
دانش است و در روز که می میرد اما که در هر چه بود و در هر چه بود
که از آن هر چه است که در روز است هر چه در دست است و در دست
در ضمن این هر است و در هر وقت که در هر وقت که در دست است
و در هر کاری که می میرد و در هر وقت که در هر وقت که در دست
که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در دست
و در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در دست
و در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در دست
و در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در دست
و در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در دست
و در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در دست

و از درین نصیب با خطه محمدی که در کفر عجزه آقا امام با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 نصیبات و بیانات بکلیک دو طرف نظر که در دروغها و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 دریم آیا با او بودیم که فقط بصرف نظر از خطه محمدی که در کفر عجزه آقا امام با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 و دیگر توقع داشته اند که هر چه شیخ و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 که سعادت از غیر مطلق و غیر خود آنها و مقاصد دولت در خطه که در کفر عجزه آقا امام با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 عجزه آقا جامع شریعت و در آنجا سرافراز است و باعث مایه مصلحت عالم است
 بلکه سعادت از این است قبول خود آنها و با او چه سعادت کمین و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 دستورات بلکه در خطه خود آنها و مقاصد عجزه آقا امام با او چه سعادت کمین و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 امر و طایفه دولت حکمت و عدالت است و با او چه سعادت کمین و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 با او که در این سعادت از عجزه آقا امام با او چه سعادت کمین و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 صرف نظر کرده اند از امور و مطالب عجزه آقا امام که برای نفس خود آنهاست که در کفر عجزه آقا امام با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 خوشتر بر دو طایفه را سعادت در مصیبت با او که کمین به تیز است که این خود آنهاست که در کفر عجزه آقا امام با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 در عجزه آقا امام بود و در هر دو یک است این اعیان است و با او چه سعادت کمین و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 در او قبول کنیم عجزه آقا امام که در او آن سعادت کمین و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه
 نصیبت از خوش راضی و مقاصد خود و در هر دو که مقاصد خود را در هر دو با او چه سعادت کمین و یا با او چه سعادت کمین و یا با او چه

به حسب مطلق العنان تا آنکه با زهم حالت اول رجوع گفته باشد با بر باز خود که دردی بسیار
 نداشت دومی جزا شد که شش حوضه اقامه در وقت روزه در یک دور بود و در وقت نهار دور
 را که گوشت سبزی درین دو صفت و صفتها این شرح که چون وقت صد دور است هر چه در آن
 دور در آن تمام مطالب وقت صد خوش بلام بخورد گرفت با لغز در راه یا با بر دور است
 و یا ششم در آنجا حسن در نظر اند که این گویان گویاست که لطیف خان گویاست دور
 حسن باز گویان گویا و با آن سخن رفته که همه سید است و نظر در آن لطیف خان گویاست دور
 و یکم کوشش زیاده گفته شده دور را بر با گو و در کام بخوریم دور که در وقت خوش نام گویان
 بخورد کرد و با زهم بخورد تیره بخورد دور و همین که دریم بخورد دور که در وقت خوش نام گویان
 و با زهم دست بخورد سوزی دور در همان وقت بخورم این چهار است گفت و با زهم
 که یک با نظر در راه زخم زده است دور در بخورم ای عمر گفته کرد حسن در بخورم دور
 و با زهم که در حسن دور در این با زهم بخورم و در وقت که بر همه دور که نام بخورم
 و با دور در راه بر بند و در راه که دور بر نامی با و حساب زیاده دور است دور
 و مقصد بر این شرح که در دور است که در تمام مطالب و مقاصد دور مقصد دور و در وقت
 و در مطلق العنان گفته که در سرفه در وقت حضرت در در حسن کون در کمانه خوب دور
 با لغز در راه و یکم حکم در شرح بخورد با بر دور بخورم اینها عمل در نفس اینها

سید الشهدا و شهیدان کربلا
و اهل بیت علیهم السلام
و ائمه اطهار علیهم السلام
و اولاد ائمه اطهار علیهم السلام
و اهل کربلا علیهم السلام
و اهل مدینه علیهم السلام
و اهل یثرب علیهم السلام
و اهل کوفه علیهم السلام
و اهل بصره علیهم السلام
و اهل خراسان علیهم السلام
و اهل فارس علیهم السلام
و اهل روم علیهم السلام
و اهل هند علیهم السلام
و اهل چین علیهم السلام
و اهل یمن علیهم السلام
و اهل حبشه علیهم السلام
و اهل اسیط علیهم السلام
و اهل سمرقند علیهم السلام
و اهل بخارا علیهم السلام
و اهل بلخ علیهم السلام
و اهل نیشابور علیهم السلام
و اهل مرو علیهم السلام
و اهل جوزجین علیهم السلام
و اهل کابل علیهم السلام
و اهل هرات علیهم السلام
و اهل بلخ علیهم السلام
و اهل نیشابور علیهم السلام
و اهل مرو علیهم السلام
و اهل جوزجین علیهم السلام
و اهل کابل علیهم السلام
و اهل هرات علیهم السلام

و در کوه و درون امر باین جهت که به حرمه آقا و در غیر دور در زمین بپوشید
 همه آتشی مشرف و این قدا باقی که در ملک در میان حفظ آنگونه بود که
 از زمین به ستمه و به اجاره او با ستم ملک مطیع نما نظر بپوشی که در
 بود آتش و در هم آب مقاد است ما در ده بگور از زیر آتش بود خانه دره
 در کن دو غرق شد شوخ را فرزند ملک عثمان کشید و سینه او را به در آتش
 که می شنود لاک در ملک شوخ با ستم نظر در نظر و در زمین و صید و لقا و در نظر
 اطمینان هر است بعد از این که لاک در ملک شوخ در سر لاک شوخ نمود
 با ستم ملک رحمت که در هر زرقم را در در اجناس است همه درون ملک
 صریحی از در نظر و با دله شایع مغزانی است که برای کهر طوفان و صید ملک
 با است نظر در سر و ملکه با شاق بر زرقم عازم و صید شود و ملک
 با صید صید سیرا بود با آرا که سهره داشته و است به با که صید شود
 نسبت به صید است می کند در و خودش با جواز نظر در در سیرا
 در زیر صید شود در آن است در نظر و در چادر در زمین کوفه قمر خندان
 به غیر صید سیرا و در در صی سینه که در صید در نظر و در کوفه

Handwritten text in a cursive script, possibly Urdu or Persian, arranged in approximately 15 horizontal lines. The text is highly stylized and difficult to decipher due to the image quality and the nature of the script.

و من بعدت بت و عا من ان كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا
منه من كذا من كذا من كذا من كذا

بگویند که اگر پیش از این وقت در امور خود
که از خود بگذرانید و در صورتی که این امر را از دست
دست نگذارید و چون در وقت این امر را از دست
نبردید و اگر پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود

نوریت

بگویند که اگر پیش از این وقت در امور خود
که از خود بگذرانید و در صورتی که این امر را از دست
دست نگذارید و چون در وقت این امر را از دست
نبردید و اگر پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود
بگذارید که پیش از این وقت در امور خود



بررسیهای باستانشناسی

در

حاشیه رودخانه ساروق آذربایجان

از

پروفسور شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حسن قراخانی

(لیسانس در باستانشناسی)

بررسی‌های باستان‌شناسی

در

حاشیه رودخانه ساروق آذربایجان *

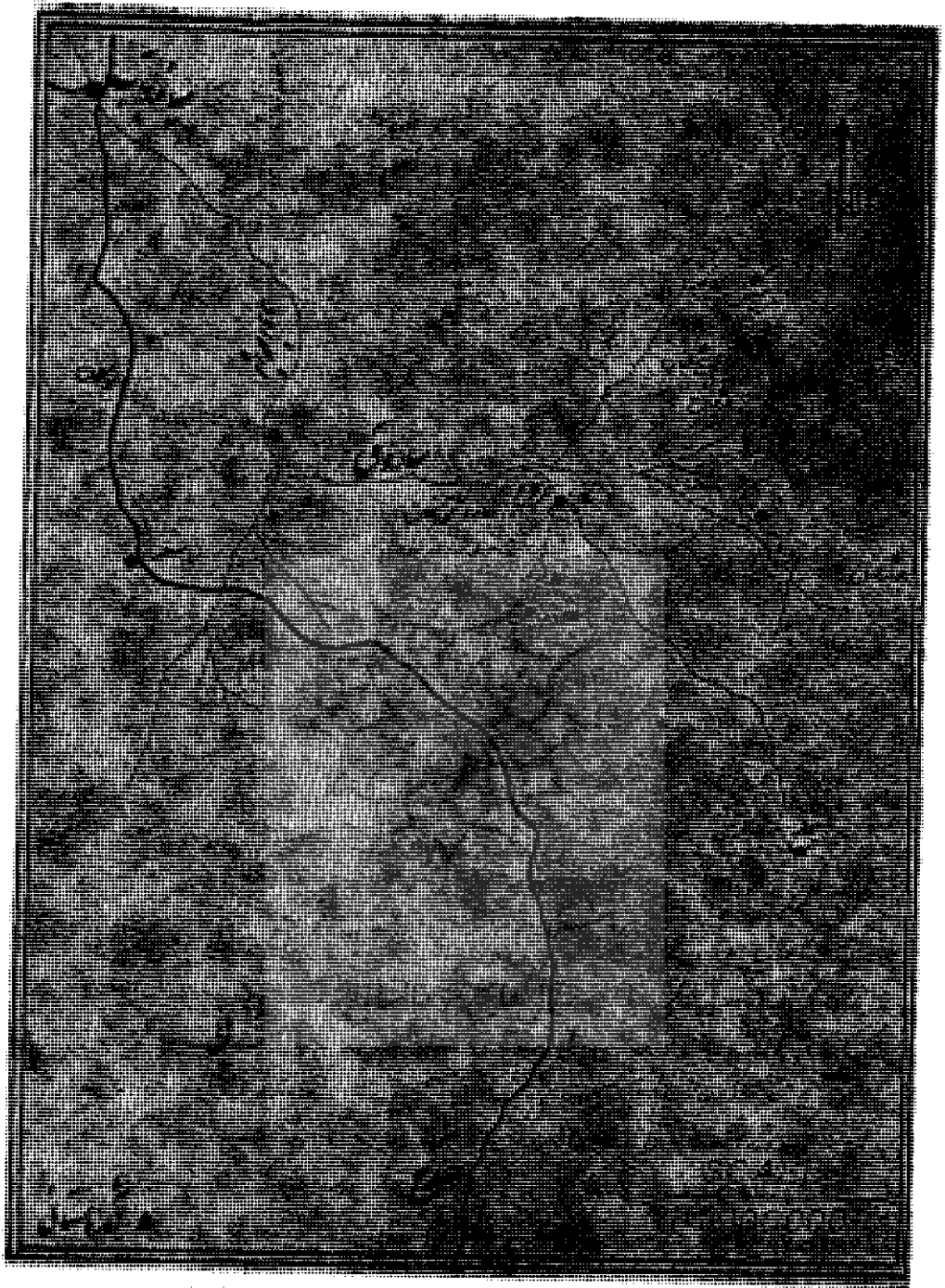
دریاچه رضائیه منابع آب فراوانی دارد که زیرینه رود مهم‌ترین آن‌هاست ، این رودخانه که بیشتر اوقات سال ظرفیت جریان تمامی آبی راکه به آن میریزد در بستر خود ندارد از کوهستان‌های جنوب و جنوب شرقی دریاچه سرچشمه میگیرد و ساروق پر آب ترین شاخه آن است که در منتهی‌الیه جنوب خاوری آذربایجان غربی جاریست . تغییرات سطح و ارتفاع آب ساروق چندان زیاد نیست زیرا در بستر کم عرض و تنگ آن بیشتر اوقات سال جریان‌های یکنواختی از آب روان است . حاصل بارش های بهاری و زمستانی رشته کوه‌های بلقیس (بارتفاع ۳۳۳۲ متر) که بارتفاعات ماه‌نشان زنجان پیوسته است و همچنین بلندی‌های واقع در حد فاصل گروس کردستان و خاک افشار به رودخانه ساروق سرازیر میشود از این رو در حول و حوش شاخه های آن جلگه های کوهستانی و رسوبی و مصبی بعد وفور پدید آمده است که در مسیر شمال شرقی به جنوب غربی این رودخانه میتوان از جلگه‌های کوهستانی بلقیس و خورجهان و

* این بررسی در مردادماه ۲۵۳۴ شاهنشاهی انجام یافته است .

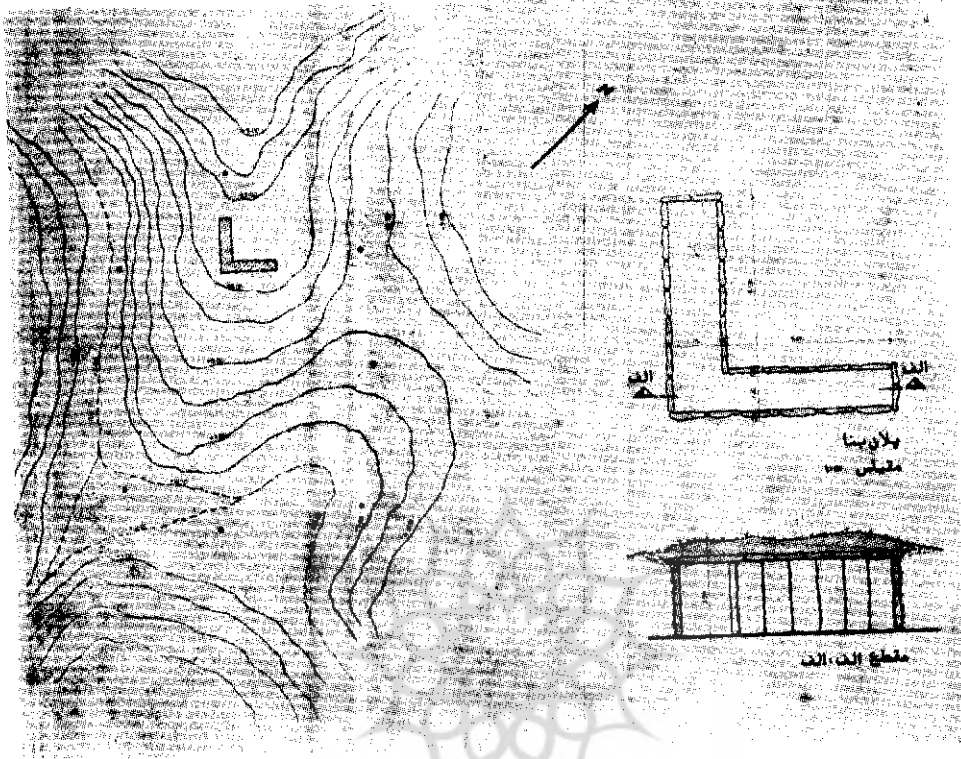
جلگه رسوبی چهار طاق و چمن کبود نام برد .

بعلت تغییر شیب تدریجی یکی از شاخه های ساروق در جلگه کبودچمن ، رسوب کف آن در مقیاس گسترده ای انجام یافته است که گذشت هزارها سال را میرساند . (تصویر ۱) . باسانی میتوان دریافت که کمبود خطرناشی از سیلاب و مساعد بودن سایر پدیده های طبیعی در این جلگه باعث جلب اجتماعات نخستین در دو نقطه دوهیاتاکی (خوابگاه شتران) و تخ تخ گردیده است و آنان به پشتگرمی آب باریکه های ساروق زندگی آسوده ای داشته اند ، ویژگی های حیرت آور معماری در دوهیاتاکی احتمالاً در راه خدمت مراسم مذهبی ساکنان نخستین آنجا بکار رفته است ، آنان تخته سنگهای عظیمی را بصورت دیوار های دوجداره و در مجموع بشکل [پهلوی هم قرار داده و جایگاهی بس متفاوت ایجاد کرده اند و ظاهراً با توجه به مصالح و عوامل معماری هزاره سوم پیش از میلاد این منطقه ، بعید بنظر میرسد که چنین تخته سنگهای عظیم جزئی از واحد های مسکونی بوده باشد . (تصویر ۲)

در امتداد شمالی جلگه کبودچمن و برحاشیه رمال از شاخه های ساروق تپه باستانی تخ تخ وضع متفاوتی دارد . ساکنان آن در انتخاب محل سکونت خویش اندیشمندی بیشتری نشان داده اند بدین ترتیب که بر روی پشته ای خشک و سخت از سنگ آهکی که متعلق به دوران سوم زمین شناسی است اسکان گزیده اند و از یکسو نیز به شاخه ای از رودخانه مورد بحث ما دسترسی داشته اند ، معرف تمدن ساکنان این تپه انبوهی از سفال نخودی رنگ منقوش است که در جنوب غربی و مغرب فلات ایران سیر تداومی شگفت آوری یافته است ، این تمدن احتمالاً از خاستگاه خود به مناطق تل باکون ،



تصویر شماره ۱
محل و موقعیت جلگه‌ها و آثار باستانی در اطراف ساروق .

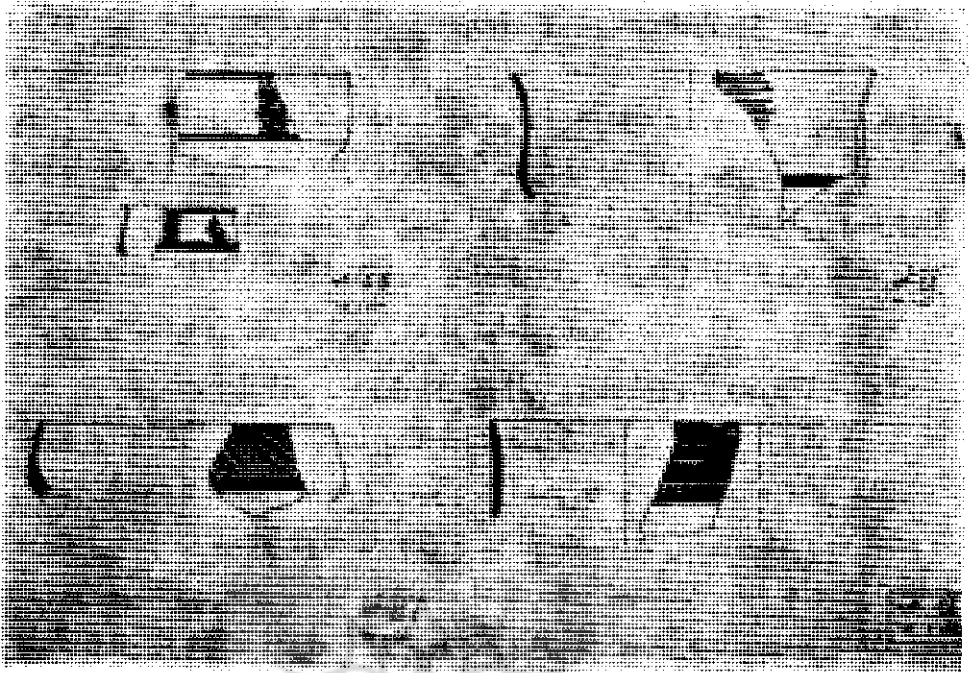


تصویر شماره ۲

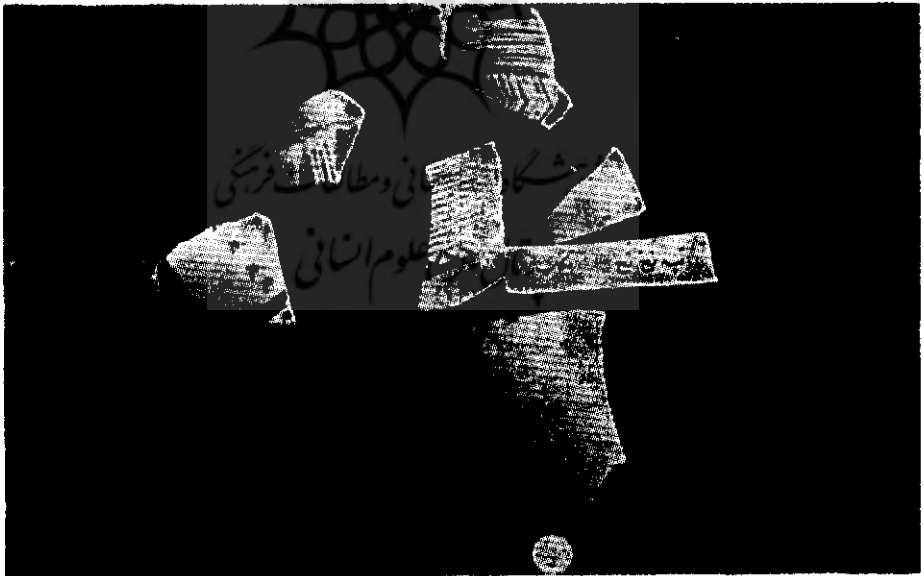
نقشه معبد دوه یاتالی . و چگونگی موقعیت آن مقیاس ۱ : ۲۰۰

موشکی ، جعفرآباد و شوش گسترش یافته و سپس به گیان نهاوند هم رسیده است. ساکنان گیان از لحاظ شیوه فنی تهیه سفال نخودی رنگ پیشرفت زیاد می نمایند و قطعاً این تمدن بهنگام گسترش خود به مناطق شمال غربی ایران در تخ تخ اثر گذاشته و از این طریق به یانیک تپه و گوی تپه آذربایجان نفوذ یافته است و در این رهگذر نقوش شطرنجی درشت و ریز ، خطوط مسوجدار افقی و عمودی ، و مثلث های تزئینی سفال نخودی رنگ تخ تخ گواه بارز این گسترش است . (تصویر ۳-۴)

در طول هزاران سال رودخانه ساروق در جبهه شرقی روستای



تصویر شماره ۳
 طرح مربوط به سفال تخریب : رسم از احمد گبیری



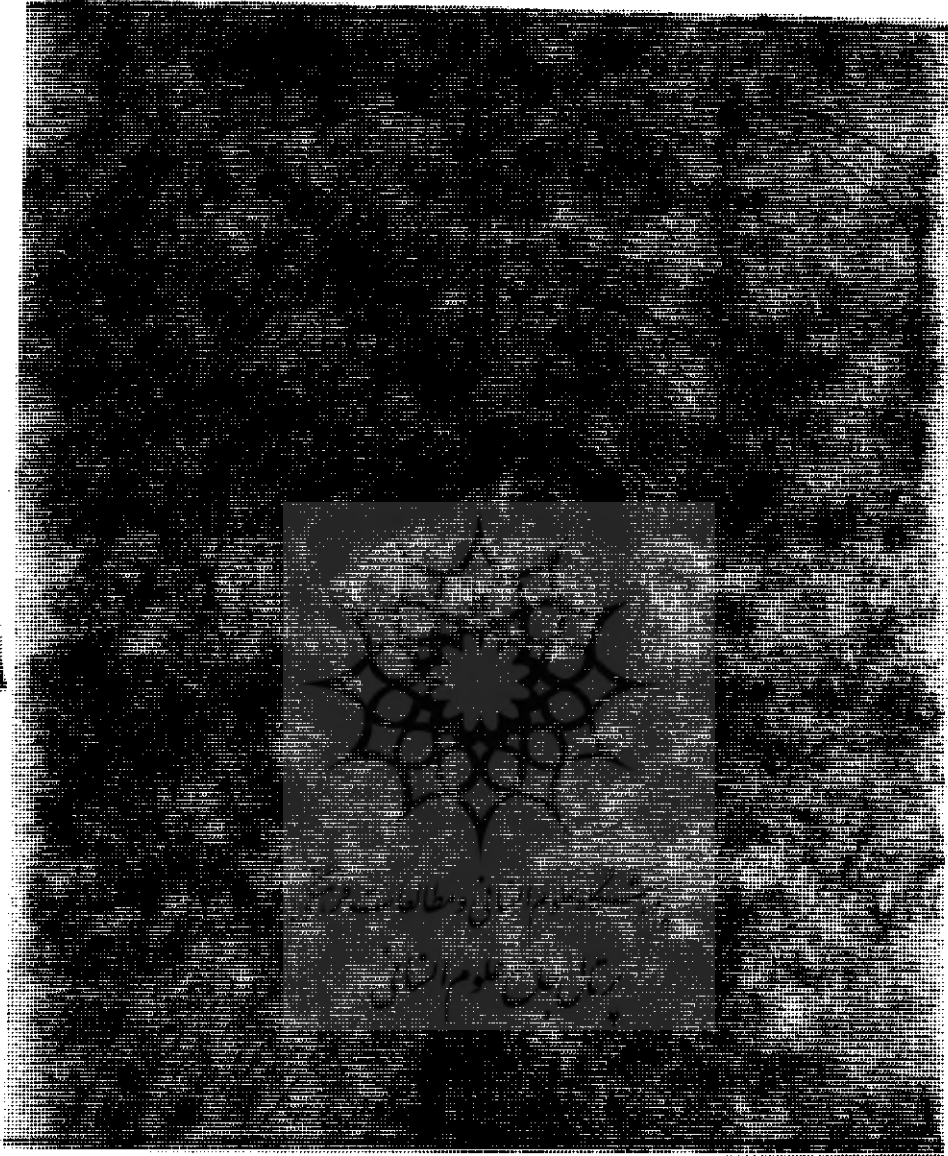
تصویر شماره ۴
 قطعاتی از سفال تخریب

یپه‌لو فرسایش عمودی داشته و در نتیجه دره‌ای بصورت تنگنا ایجاد کرده است ، جدار های دره ساروق در این محل شیب نسبتاً تندی دارد و بنظر میرسد که این دره گذرگاه باستانی بسوی آذربایجان بوده است و وجود بقایای پل عظیمی از دوره صفویه بر روی ساروق نشانه این راه ارتباطی است .^۱

طبیعت اطراف ساروق در حوالی روستای ساروق‌رقان بگونه دیگری است ، این قسمت به علت حرکت‌های درونی و کوهزائی زمین انباشته از ورقه‌ها و رسوبات آهکی است ، صخره های عظیم رسوبی در دو جدار دره ساروق بمنزله حصارهای مستحکمی درآمده و موقعیت ویژه‌ای به آن بخشیده است ، در نخستین سده های هزاره اول پیش از میلاد اقوامی در پناه یکی از این صخره‌ها میزیسته‌اند . مسکن آنها در دید نخست بصورت دژ استواری می‌ماند که دست‌یابی بدان بس دشوار و آزاردهنده است . (تصویر ۵) . صخره مدور ساروق‌رقان در بالاترین ارتفاع یکی از کوههای منفرد حاشیه ساروق کشیده شده و اقوام باستانی هزاره اول پ . م با اندکی دست‌کاری آنجا را بصورت یکی از صعب‌العبورترین مکانهای موجود در آورده‌اند . (تصویر ۶) آنان راههای ورودی دژ را با احداث دیوارهای محکمی بسته‌اند و غیر از یک پلکان سنگی راهی برای ورود به تأسیسات داخل قلعه وجود نداشته است . (تصویر های ۷ و ۸) . فرسایش جدار آهکی صخره در طول زمان باعث ایجاد محوطه های سرپوشیده وسیعی شده که اقوام باستانی از آنها بعنوان پناهگاههایی برای استراحت پاسداران قلعه استفاده میکرده‌اند و وجود برجهای دیده بانی این مسئله را تأیید می‌کند ، این پناهگاهها

۱- درباره این پل نگاه کنید به : راه و رباط تألیف پیرنیا و افسر . ص ۱۷۲ از انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی .

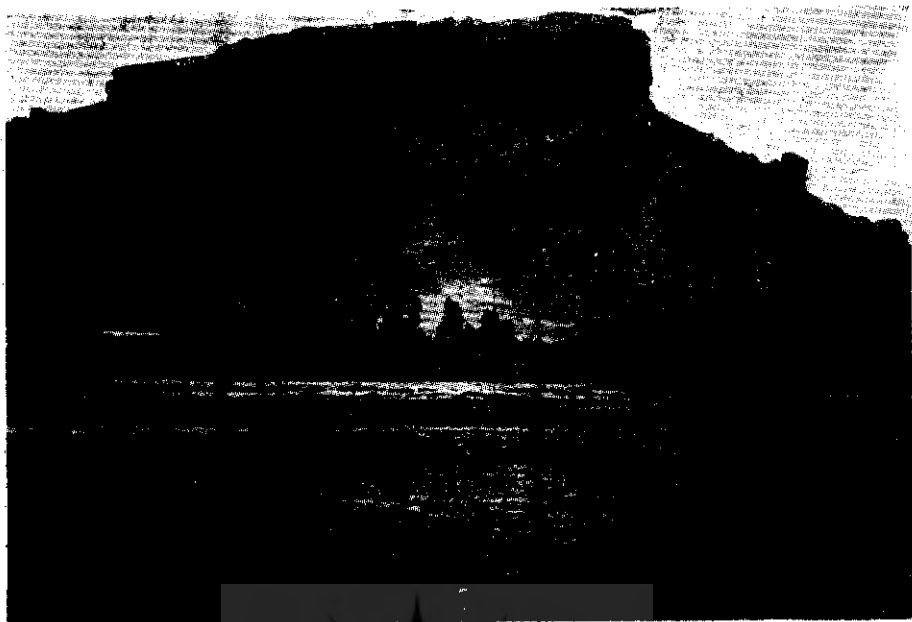
تاریخچه مدرن لرستان



تصویر شماره ۵

نقشه صخره عظیم ساروقورقان در حاشیه ساروق - مسکن و ماوای الطوام هزاره اول .

بوسیله چندین راهرو استوانه‌ای بهم راه دارد . (تصویر ۹)
در دوران ساسانی تغییرات عمده‌ای در دژ ساروقورقان داده



تصویر شماره ۶
چشم انداز دژ ساروقورقان از جبهه شرقی



تصویر شماره ۷
دیوار دفاعی که راه ورود به دژ را بسته است .

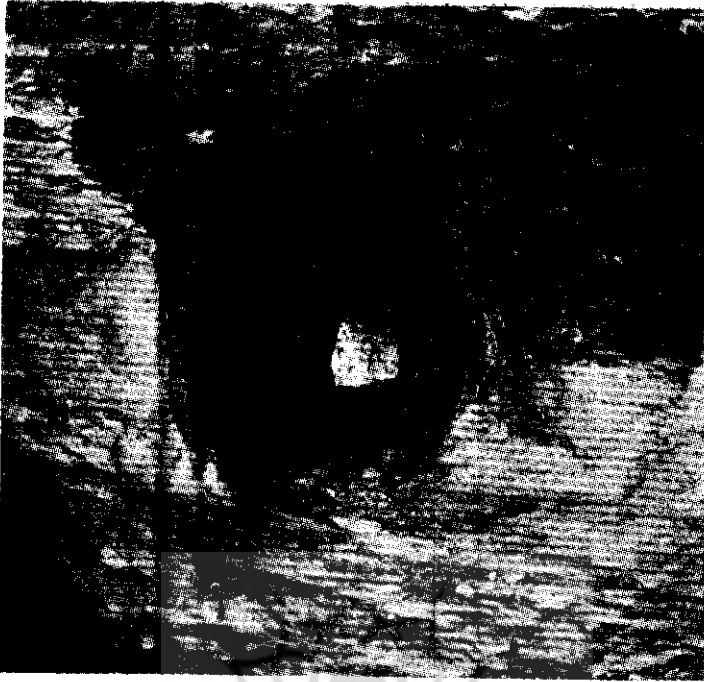


تصویر شماره ۸

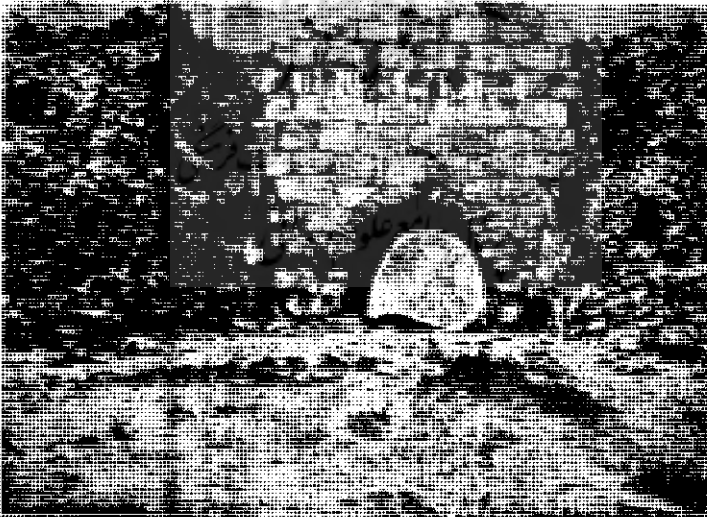
پلکان سنگی . تنها راه ورودی دژ

شده است ، از جمله ایجاد شبکه آبرسانی به طبقات مختلف دژ و روش های ذخیره آب بوسیله احداث منبع هایی با فاصله های معین از نخستین سده های اسلامی تا قرن ۱۱ هجری وقایعی بر این دژ گذشته و شرح برخی از آن پیش آمدها درذیل جامع التواریخ ، تاریخ حبیب السیر ، شرفنامه بدلیسی و عالم آرای عباسی نیز آمده است .^۲

۲- در این باره نگاه کنید به : مقاله نگارنده در شماره ۶ سال هشتم مجله بررسی های تاریخی .



تصویر شماره ۹
راهروئی که دو پناهگاه را بهم متصل می‌سازد



تصویر شماره ۱۰
دروازه ورودی تخت سلیمان

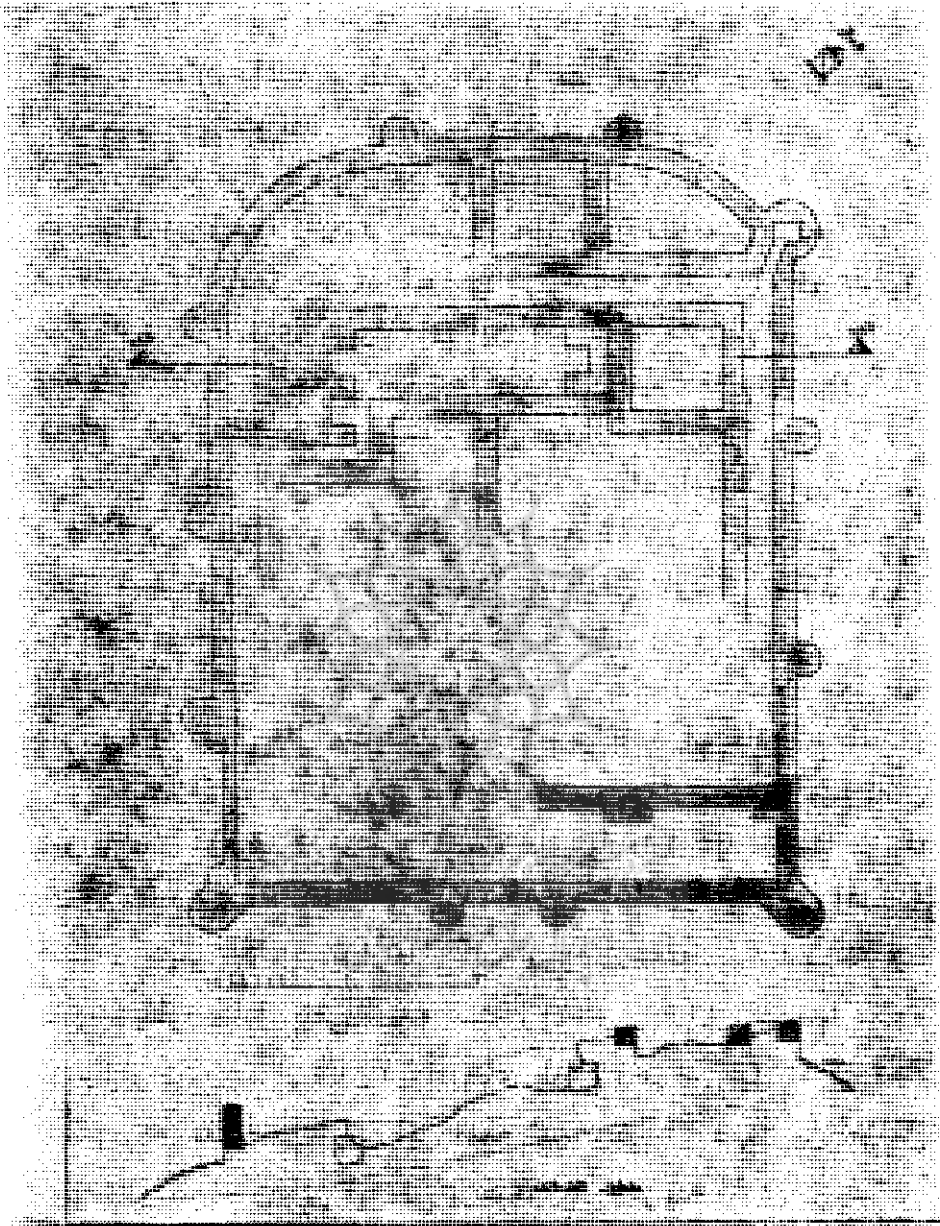
ارتفاعات بلقیس و خورجهان بعلت دارا بودن منابع آب فراوان اثر مستقیمی بر میزان آب ساروق دارد ، در جبهه غربی بلقیس جلگه کوهستانی حسن آباد قرار دارد و چند شهر مهم دوران تاریخی ایران در آنجا واقع بوده است ، نخست باید از شیز یاد کرد که به تخت سلیمان معروف است و در جنوب شرقی آن بر بالای کوه‌های طولیله داغ آثار و خرابه‌های شهر باستانی پراسپا (فراسپا یا فراهه - اسب) اقامتگاه تابستانی شهریاران ساسانی باقیمانده است. میدانیم که جلگه حسن آباد در عصر مغول مورد توجه قرار گرفته و تخت سلیمان یکی از بیلاقیهای شهریاران مغول بوده است ، پس از مغول تمام کاخها و خانه‌های موجود در تخت سلیمان با خاک یکسان میشود و هیچیک از مورخان ویرانی تخت سلیمان را در این دوره از تاریخ خبر نداده‌اند لیکن با توجه باینکه دژ ساروقورقان (در ۲۵ کیلومتری تخت سلیمان) بسال ۷۹۵ هـ ق بدست امیر تیمور برافتاده است^۳ میتوان تصور کرد که تخت سلیمان نیز از یورش همین شخص در امان نمانده و آبادانی آن برای همیشه افول کرده است. (تصویر ۱۰).

دوشهر شیز و پراسپا دارای اعتبار ویژه‌ای بود : اولی بعلت دارا بودن بزرگترین آتشکده یعنی آذرگشنسپ و دومی بدلیل دارا بودن موقعیت نظامی خاص همیشه مطمح نظر دشمنان ایران دوره ساسانی بوده است . ارتفاعات بلقیس از شمال شرقی باچشم انداز وسیعی مشرف به این دو شهر است و از این رو استفاده شایانی

۳- درباره یورش امیر تیمور به این منطقه و ویرانی ساروقورقان نگاه کنید به : یادداشت مینورسکی ذیل مراغه در دائرة المعارف اسلامی ج ۳ ، ص ۲۶۶ .

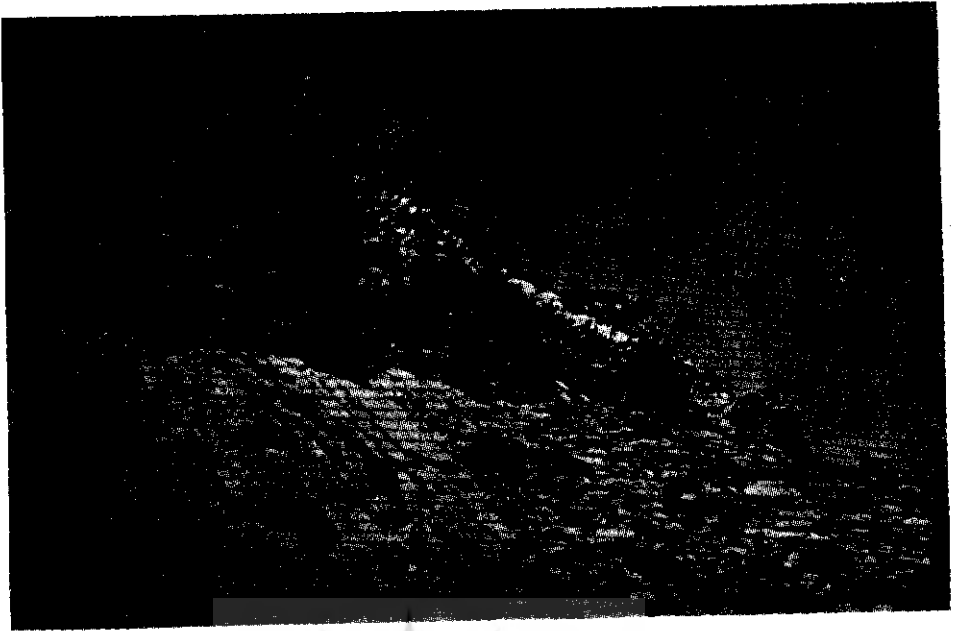
از تیغه های آن در جهت دیده بانی از آتش مقدس بعمل آمده است. ۴
 با توجه به درگیری های دولت ساسانی با دشمنان اصلی خود
 (رومیان) در این منطقه دژهای بلقیس و یاستی قلعه خور جهان
 موجبات امکان دفاع از يك ایالت بزرگ ساسانی را به نحو شایسته
 فراهم می ساخته است. دژ بلقیس باعتبار نام تخت سلیمان، زندان
 سلیمان و طویلۀ سلیمان (طویلۀ داغ سابق الذکر) در اصطلاح عوام
 به بلقیس ملکه سبا و همسر سلیمان نبی نسبت داده میشود. ارتفاع
 شمالی ترین قسمت تخت سلیمان به ۳۳۳۲ متر میرسد. نخستین بار
 راولینسون موفق بدیدن آن شده است. ۵ و سپس هیئت کاوشهای
 علمی تخت سلیمان مطالعاتی در آنجا انجام داده اند و آخرین تحقیق
 درباره دژ بلقیس توسط Dietrich huf در برلین منتشر گردیده است
 دژ بلقیس از لحاظ شکل کلی ساختمان دارای طرح مستطیل
 است لیکن معمار آن بی شک اندیشه خاصی در طرح ریزی این دژ
 نداشته است زیرا ساختمان مزبور با توجه به برآمدگیهای صخره
 سنگی پای بست پی افکنی شده است، همچنانکه هماهنگی نکردن
 صخره زیرین با طرح مستطیلی دژ سبب گردیده که در جبهه شمال
 و شمال غربی، گوشه ها و دیوارهای عرضی این مستطیل عظیم
 قوسی شکل گردد و بعبارت دیگر صخره زیرین عامل اصلی انجام
 طرح کنونی دژ بوسیله معمار آن بوده است: (تصویر ۱۱)
 دیوارهای تدافعی دژ بطور مستقیم در جبهه شرقی کشیده

۴- دکتر حسن انوری در کتاب خود بنام آتشکده آذرگشنسپ کوه بلقیس
 را که در ۲ کیلومتری این آتشکده واقع شده جایگاه کوه مقدس اسنوند حدس
 میزند زیرا در اوستا همه جا به نزدیکی آذرگشنسپ و اسنوند اشاره شده،
 درین باره علاوه بر کتاب نامبرده نگاه کنید به: مزدیسنا و تأثیر آن بر ادب
 فارسی تألیف دکتر معین ص ۱۹۹ به بعد از انتشارات دانشگاه طهران سال ۱۳۲۶.
 5- Rawlinson: Journal of the Royal Geographic Society. 10, 1841: 53.



تصویر شماره ۱۱
نقشه دژ بلقیس .

شده است چه جنبه نامبرده سالمتر از دیگر قسمت‌ها بوده و اتکاء به تخته سنگ داشته و طول آن ۶۰ متر است و دو برج توپر استحکامی (پشت بند یا باستیون) دارد. (تصویر ۱۲) در داخل این دو برج قرارگاههای دفاعی تعبیه شده است که به دالانهای کوچک و دراز راه دارد و احتمالاً محل عبور مدافعین بوده است. قسمت‌های درونی دژ از ایوانی بزرگ و چندین اطاق تشکیل میگردد و طاقهای گهواره‌ای این قسمت‌ها هنوز پا برجاست. (تصویر ۱۳). در بعضی قسمت‌ها چینه‌هایی بطور قائم پدیدار شده که در سقف بکار میرفته است، محل دروازه ورودی قلعه را بدون پی یابی حصار نمی‌توان مشخص کرد و ظاهراً بنظر میرسد که دروازه در قسمت جنوب شرقی قرار داشته باشد زیرا جلو این قسمت زمین مسطحی است که از درون دژ دید کافی دارد. (تصویر ۱۴) دیوارهای حصار باقیمانده اندکی انحنا دارد ولی دیوارهای داخلی بطور افقی است، در ساختمان این دژ از سنگهای محلی که دارای لایه نازکی از آهک مخلوط با گچ می‌باشد استفاده شده است. اختلاف درجه حرارت هوا و رطوبت متفاوت سبب جدا شدن دیوارهای درونی و برخی قسمت‌های پارو گردیده است مضافاً باینکه عدم زیر سازی کافی نیز برای چنین ویرانی بسی افزوده است و بهمین دلیل دیوارهایی که بر روی تخته سنگها ساخته‌اند تقریباً بطور کامل باقی مانده است. (تصویر ۱۵). برجها علاوه بر چهار کنج حصار، در دیوارهای طولی و عرضی نیز تکرار شده است و در تعبیه برجهای این قلعه نیز بیکی از کمترین عوامل مورد نظر طراحان هنر ایرانی برمیخوریم: قرینه سازی برجها در حصار تخت بلقیس الزامی بوده است زیرا جنبه استحکامی آن مهمتر از سایر جنبه‌ها در مد نظر بوده است. در میان انبوه سنگهای



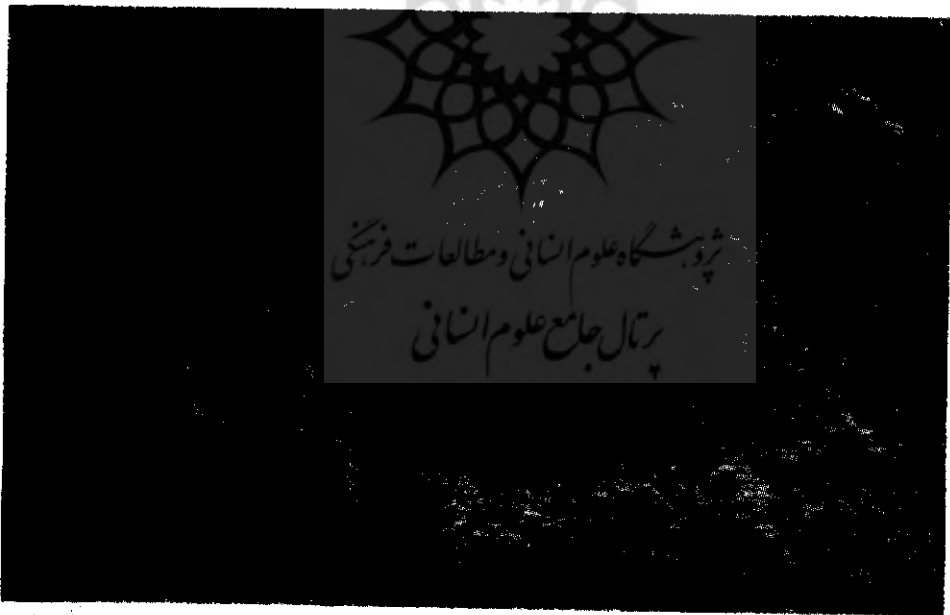
تصویر شماره ۱۲
دیوار دفاعی بلقیس که بر فراز نخته سنگ طبیعی بنیان شده است



تصویر شماره ۱۳
طاق همواره‌ای یکی از اطاقها .

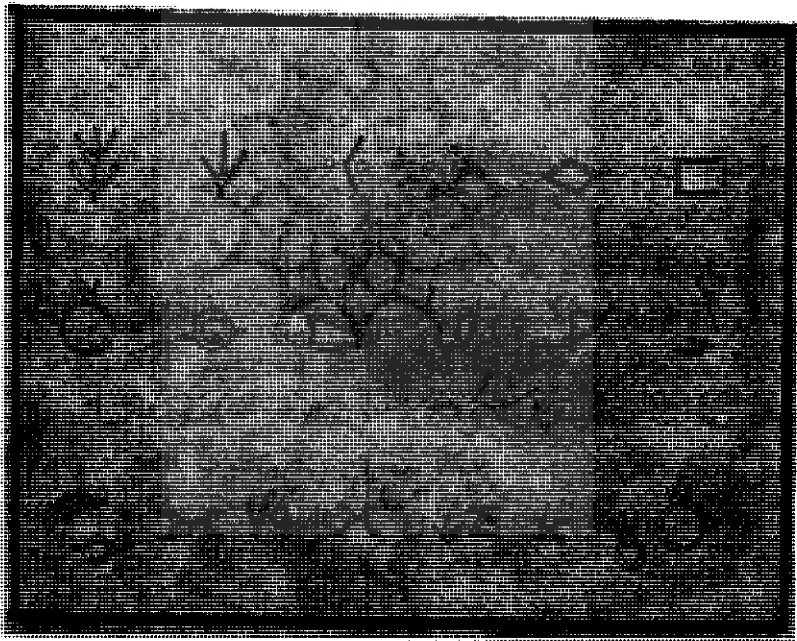


تصویر شماره ۱۴
از داخل دژ محل احتمالی دروازه مشخص شده است .



تصویر شماره ۱۵
برج و باروی جبهه شرقی سالمترین قسمت دژ یلقیس است.

نامنظم آنجا تعدادی سنگ تراشدار زرد رنگ دیده شده که علامت-هائی بر روی آنها کنده‌اند (تصویر ۱۶) در این مورد میتوان اندیشید که این علائم از آن سنگ تراشان بوده است و موارد مشابه آن را در سایر بناهای ساسانی نیز میتوان یافت ضمناً ناگفته نماند که نظیر بعضی از این علائم در روی کلاههای اسواران یا نگهبانان معروف به ارتش جاویدان نیز کنده شده است و به گفته هر تسفلد احتمالاً ممکن است علائم مزبور نشانه تعلق هر یک از افسران واحدهای مختلف سپاه بصنوف طبقات خود باشد^۶ و بدیهی



تصویر شماره ۱۶
علائم کنده شده بر روی تخته سنگهای بلقیس .

۶- ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستنسن ترجمه یاسمی ص ۲۳۴ چاپ دوم، از انتشارات ابن سینا .

است در روی سنگها همان نشانه استادان سنگ تراش مورد پیدا می‌کند در وهله نخست تصور میشود که قلعه بلقیس یا تخت بلقیس صرفاً به منظور استفاده نظامی بنا شده و همراه با دژ یاستی قلعه (درخورجهان از توابع ماه نشان زنجان) سهم مؤثری در کشمکش‌های آن دوره داشته است زیرا بنا بر نوشته مورخان : هرقل امپراطور روم در ۶۲۲ م با همدستی طایفه خزرها خسرو پرویز را در حوالی شیز (تخت سلیمان کنونی و ۲ کیلومتری دژ بلقیس) شکست داده و آتشکده آذرگشنسپ را ویران نموده است^۷ و این دو دژ قطعاً در محدوده میدان نبرد های آن دوره واقع بوده است .

در بحث پیرامون کاربرد دژ بلقیس نظریات دیگری نیز میتوان اظهار نمود : برخی دلائل عمده حاکی از آن است که این بنا صرفاً جنبه نظامی نداشته است زیرا دور از زمین های آباد و راههای شناخته شده آن زمان قرار گرفته است ، در این بنا دالانها خیلی باریک و کوچک تعبیه شده و سطح ایوان و سالن بزرگتر از حد معمول می باشد و نیز در اغلب اوقات سال استفاده از راههای وصول به آن مشکل بنظر میرسد ، ساختمان داخلی بنا بعلت دارا بودن ایوان و سالن بیشتر به اقامتگاه اشرافی کوتاه مدت شباهت دارد و شاید بتوان گفت تخت بلقیس يك کاخ شکار دوره ساسانی است بویژه اینکه هم اکنون نیز در مدتی از سال افرادی برای شکار به آن حوالی رفته و چادر های خود را در پائین تخت بلقیس برپا می نمایند .

تخت بلقیس بی شک در مرکز يك ایالت مهم ساسانی قرار داشته پیرامون چندین بنای کم اهمیت تر موجود بوده است - چنانکه

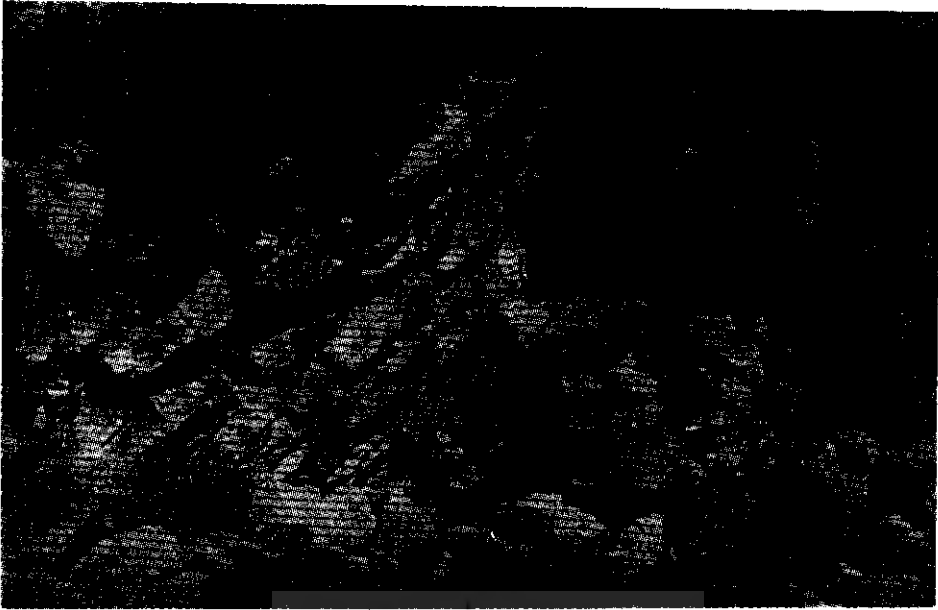
۷- درین باره نگاه کنید به : دوره تاریخ ایران پیرنیا ص ۲۲۴ بکوشش دبیرسیاقی از انتشارات خیام .

ویرانه‌های محلی بنام کلیسا در حاشیه‌روستای قینرجه درست در نقطه‌ای واقع شده که تخت بلقیس با شیب تندی مشرف بدان است و یا اینکه در جبهه جنوبی تخت بلقیس بقایای يك چهار طاقی ساسانی در حاشیه روستای چهارطاق پابرجاست و تمام این عوامل مؤید این اندیشه است که در آن ایالت قشرهای اجتماعی گوناگون از ملیت‌های مختلف ساکن بوده‌اند. بنای معروف به کلیسا از هر حیث با بناهای ساسانی که تاکنون توسط نگارنده بازدید و یا بررسی شده متفاوت است. درست است که پس از شاپور اول و هرمز اول نسبت به پیروان سایر مذاهب سختگیرانه‌ای به عمل می‌آمد ولی نباید از نظر دور داشت که در قرن ۶ میلادی شعبه نستوریان مسیحی رسماً خود را از لحاظ نص و اصول مذهب، از روم شرقی جدا کرد و پس از این پیشامد نه تنها مسیحیان دچار ناراحتی نبودند بلکه عفو و اغماض به جایی رسید که حتی مانعی نبود يك شاهنشاه ساسانی (خسرو پرویز دوم) زن مسیحی داشته باشد.^۸ با این بحث آیانی توان این محل را جایگاه مذهبی مسیحیان نستوری دانست؟ کاوش و پی‌کنی محوطه کلیسا بی‌شک دریافتن پاسخ کمک خواهد کرد. در حال حاضر از انبوه قسمت‌های فرو ریخته این بنا میتوان دیوارهای اطاقی را باز شناخت که سنگهای تراشدار خوبی در آن بکار رفته است، ارتفاع دیوارهای باقیمانده ۲ متر و حجم سنگهای پائین دیوار بزرگتر از قسمت‌های فوقانی است و ما بی‌شک کلیسای کهنه قینرجه را بایستی يك جایگاه مذهبی بشمار آوریم که در آن مراسم ویژه‌ای برگزار می‌شده است.

۸- درین باره نگاه کنید به: میراث ایران. ص ۷۳ بقلم سیزده تن از خاورشناسان، زیر نظر آربری. ترجمه بیرشک، پازارگاد و ... و همچنین فصل ششم کتاب ایران در زمان ساسانیان سابق الذکر.

(تصویر ۱۷) وجود چنین جایگاههای منفرد در ادوار تاریخی ایران بی سابقه نیست، همچنانکه امروزه در بسیاری نقاط چهار طاقی - های ساسانی در خارج از حوزه شهر های بزرگ آن عصر افتاده است، این قبیل آتشکده ها بر سر راه ایالت های بزرگ بنامیشده و در بعضی موارد واحد های مسکونی جهت نگاهبانان آتش مقدس در جوار آن می ساختند: آتشکده آتشکوه در نیمور محلات چنین وضعی را دارا بوده است و ما در منطقه مورد مطالعه خود در جبهه جنوبی دژ بلقیس و در فاصله ۲۰ کیلومتری آتش بزرگ (آذرگشنسپ) بقایای چهار طاقی منفردی را ازدوران ساسانی می بینیم (تصویر ۱۸)، روستائی بنام چهار طاق نیز در مجاورت این چهار طاقی موجود است که گوئی بر سر راه بلقیس و آذرگشنسپ بوده است. محوطه این چهار طاقی وسعت اندکی دارد و در حال حاضر تنها ۴ ستون از آن باقی است که ارتفاع هر یک از آنها بیش از سه متر نیست و گذشت زمان گوشوارها و گنبد آنرا فرو ریخته است. (تصویر ۱۹) بیننده در تصور خویش بهنگام بازسازی این بنا بیاد چهار طاقی فعلی آغیمون در ۲۰ کیلومتری مشرق سراب می افتد زیرا اندازه های هر دو چهار طاقی یکسان است و گنبد چهار طاقی اخیر هنوز برجا مانده است (تصویر ۲۰).

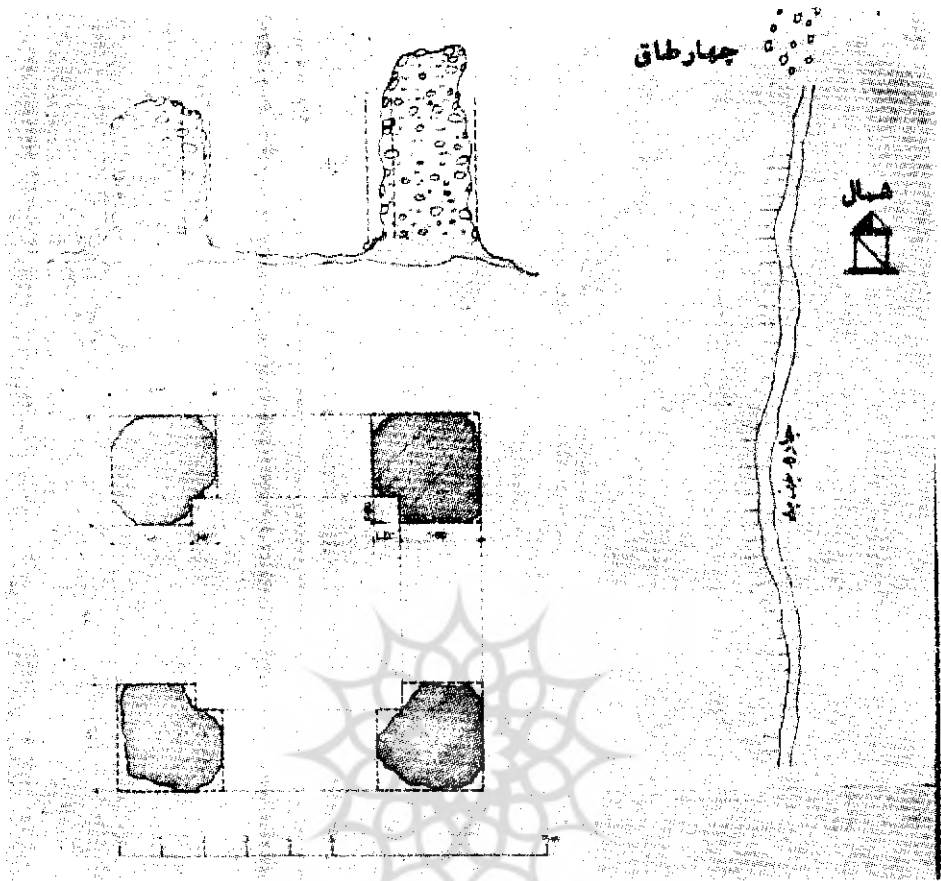
در پایان سخن باید یادآوری نمود که ارتفاعات بلقیس از جبهه شمالی بامحال قره آغاج میانه همسایه است و در این نقطه باید دنبال آثار و شواهد تمدنهای قدیمی تری نیز بود، حوالی قزل قلعه قوره چای از توابع قره آغاج احتمالا محلی است که باید شهر ریزیتو پایتخت ماناها را در آن جستجو کرد و نگارنده کسب اطلاع کرده است که در منطقه قزل قلعه کتیبه بزرگی نیز بر فراز صخره ای وجود دارد.



تصویر شماره ۱۷
قسمتی از کلیسای کهنه قینرجه



تصویر شماره ۱۸
بقایای چهارطاقی ساسانی در روستای چهارطاق



تصویر شماره ۱۹ نما و نقشه از چهار طاقی



تصویر شماره ۲۰ چهار طاقی ساسانی واقع در آئیمون سراب